

حاضر غایب

سر نوشت اکران دو فیلم با بازی لیلا حاتمی هنوز مشخص نیست

صفحه ۰۸ | رابخوانید



درخواست قصاص برای عامل شلیک در فرودگاه امام

مرد جوان در جریان درگیری مسلحانه با همکارش اشتباهی همکار دیگرش را کشت

صفحه ۱۳ | رابخوانید

شهرخانه‌های فاخر و غذاهای گران

هزینه‌های زندگی در کلان‌شهر مشهد

صفحه ۰۶

کمی شفافیت، کمی صراحت، کمی شجاعت

درباره ملاحظات سیاسی و اجتماعی از

دیپلماسی تا زمین فوتبال

صفحه ۰۴

بوک اینفلوئنسرهای پوک!

کتاب‌های اینفلوئنسرهای خارجی به سرعت

در حال تسخیر بازار کتاب ایران هستند

صفحه ۱۰



ستون‌دوشنبه
میر حمیدرضا قادری

همه راه‌ها گویا به تهران و روم ختم می‌شوند

حالا شاید این تلاقی‌ها اتفاقی باشند - اگر به چیزهای اتفاقی معتقدید - و محصول فیلم‌بینی و سریال‌بینی پشت‌سرهم که خود همین سلوک مستمر دیدن، البته می‌تواند چیزهایی را پیش چشم بیاورد که شاید در دیدارهای گذری و باری به هر جهت و پرکردن اوقات فراغت دیده نشوند؛ یک‌بار باید درباره اهمیت این مناسک و سلوک فیلم‌بینی و سریال‌بینی چیزی کمی بنویسیم. بگذریم!

در پایان دیدن دو فیلم سینمایی گلدایاتور ۲ ساخته ریڈلی اسکات و فیلم مگالوپلیس ساخته فرانسیس فورد کاپولا - هر دو محصول سال ۲۰۲۴ - یک نکته مشترک جلب توجه می‌کرد: روم، گویای روم و خاطره آن، ترومای فروپاشی‌اش، تمدن و خوش‌گذرانی‌ها و شکوهش در ذهن شهروند غربی همان کارکردی را دارد که سلسله هخامنشیان و ساسانیان برای باستان گراهای ایرانی دارد یا صوفیه و هنر تیموری و سلجوقی برای شیفتگان مباحث هنر ایرانی و اسلامی و مباحث شیعه صفوی و علوی و ایران شهری.

می‌شود برای این اهمیت روم در نظرگاه شهروند غربی - که فیلمسازان هم جزوشان هستند - گزاره‌های صادق زیادی آورد که منظر این نوشتار کوتاه نیست. ولی سر نوشت آن امپراطوری و علل فروپاشی و اضمحلالش یحتمل همان چیزی است که سال‌هاست ذهن مستشرقین یا تحلیل‌گران ایرانی را مشغول کرده است: علل فروپاشی امپراطوری ساسانی و سقوط اصفهان و پایان صوفیه.

همین بانی هشدارها و سوزنامه‌های اسکات و کاپولا پییر شده بود در دو فیلمی که یکی داشت آمریکای امروز را تالی‌تو روزهای شکوه ظاهری و اندکی‌مانده به فروپاشی روم جلوه می‌داد و در پیرائه‌سری چون حکیمی اندازشان می‌داد که ساختمان‌های مستحکم و باشکوه و جشن‌های بیکران و گناه‌آلود تضمین‌کننده پایداری تان نیست.

در گلدایاتور هم، برآمدن پردیسسه برده‌ای سیاه‌پوست و آزادشده در سرزمین فرصت‌ها، روم، با بازی دنزل واشنگتن، با خطر فروپاشی روم همراه بود که در نهایت یک رومی شجاع و شریف - در گلدایاتور ۲ شریف یعنی هم‌خون، هم‌نژاد و لو به آن تصریح نکند؛ چون بوی فاشیسم و برتری طلبی نژادی می‌دهد - آن را حل کرد.

این کارکرد روم در این دو فیلم اسمی و پرخرج امسال نمی‌تواند صرفاً اتفاق باشد وقتی پشت دوربین‌ها دو پیرمرد استخوان خرد کرده صنعت سینما هستند.



در پایان دیدن سریال‌های شیخ بیروت محصول ۲۰۲۳ - سریالی درباره روند ترور عماد مغنیه از اعضای ارشد عملیاتی حزب‌الله لبنان - و سریال آژانس (AGENCY) محصول ۲۰۲۴ - سریالی درباره روزمره و روند مواجهه اعضای یک سازمان جاسوسی غربی با سوزهایی در ایران، اوکراین، روسیه، سودان - و یکی دو محصول سینمایی و سریالی دیگر مثل فیلم سینمایی The union با بازی مارک والبرگ یا مورد فاش‌تر یعنی سریال Teheran. در کنار نام‌های همیشگی دشمنان سازمان‌های عریض و طویل غربی، کوبا و کره شمالی و روسیه، نام ایران آرام‌رام برده می‌شود. ادامه در صفحه ۰۳

همکاران گرامی؛

خانم فرزانه اختیاری و آقای مرتضی کلیلی

ما را در غم بزرگتان شریک بدانید.

روزنامه هفت‌صبح

کیک ژاپنی!

معرفی «نيسان کیکس» مدل ۲۰۲۵؛ کراس اوور کوچک و ارزان قیمتی که اخیراً روانه بازارهای جهانی شده است

صفحه ۰۵ | رابخوانید



یک نبرد بی‌پایان بر سر معدل

روایت دست‌اول هفت صبح از جلسه‌ای پر تنش که سر نوشت کنکور را تغییر داد

شورای عالی انقلاب فرهنگی به شکل یک طرفه تمام تربیون‌ها را فقط به موافقان مصوبه کنونی داده بود تا آراء را به سمت حفظ وضع موجود تغییر دهد. اینطور که برخی از منابع می‌گویند، دبیرخانه این شورا ۴۵ دقیقه ابتدایی جلسه فقط درباره مزایا و در مدح مصوبه فعلی کنکور سخنرانی می‌کند. ادامه در صفحه ۰۲

رقیب زیبای سی و سه پل

بزرگان معماری کشور طرح‌هایی خلاقانه برای

ساخت پلی در اصفهان ارائه کردند

گروه ویژه | اگر روزی زاینده‌رود دوباره زنده شود، آب قرار است از زیر پل جدیدی جریان پیدا کند که می‌خواهد سی‌وسه پل جدید اصفهان باشد؛ نماد جدید این شهر. در روزهای گذشته تصاویر سه بعدی از یک پل مواج در شهر اصفهان بسیار خبرساز شده است. پلی که هنوز ساخته نشده و فقط حاصل طرحی از دو گروه معماری معروف برای ساخت یک پیاده‌رو، بر روی زاینده‌رود بوده: گروه معماری دیگر متعلق به علیرضا تغابنی و گروه معماری هما فرجادی. در ماه‌های پایانی سال گذشته کارفرمای این پروژه، یعنی شهرداری اصفهان رقابت محدودی برای خرید ایده طرح پل عابر پیاده گردشگری را در همکاری با عارف بارانیان استراتژیست معماری به انجام رساند. گروه مطالعات و طراحی کسب‌وکار روت‌پلت، برگزارکننده این مسابقه معماری، اوایل پاییز ۱۴۰۲ با برگزاری یک مسابقه محدود، از شش گروه معماری دعوت می‌کند تا سازه‌ای به این منظور طراحی کنند.

مهرماه این شش تیم برحسب دعوت شده بودند تا فضای مورد نظر شهرداری اصفهان را از نزدیک بازدید کنند. حالا چند وقتی است که نتیجه این فراخوان آمده و «رواق» ایده برتر این مسابقه بوده است که مواج بودن سقف و آجری بودن آن مخاطبان را در نگاه اول به یاد طرح کلی از سی‌وسه پل می‌اندازد. برخی می‌گویند این پل قرار است نزدیک به پل غدیر در غرب اصفهان ساخته شود. در روز گذشته بسیاری از معماران و همچنین کاربران شبکه‌های اجتماعی از ویدیوها و تصاویر این پل استقبال کردند. توضیحات منتشر شده درباره آن این است که سطح اول پل، یک پیاده‌رو سایه‌دار با سقفی مواج است که به رودخانه مشرف شده. این بخش از تفاعل کمتری تا سطح آب دارد و راحت‌تر می‌توان از روی آن به تماشای زاینده‌رود ایستاد. همچنین سقف مواجی بالای سرش دارد که به جز سقف، یک پیاده‌روی دیگر در طبقه دوم محسوب می‌شود. این دو طبقه بودن از این نظر بسیاری را به یاد فضای پل طبیعت تهران می‌اندازد. درباره این پل، معماران و بلاگرها توضیحات زیادی داده‌اند. پل رواق هم کاربری ارتباطی بین دو نقطه شمال و جنوب رودخانه را دارد هم اینکه یک فضای تفریحی برای مردم درست می‌کند. پلی دو طبقه که می‌خواهد مسیر معماری صوفیه در اصفهان را در کلاس مدرن خود ادامه دهد. به نظر می‌رسد نزدیکی آن یک کارخانه وجود دارد که معماران تلاش کرده‌اند بنای آن حفظ و بخش‌های فرسوده آن هم زنده‌سازی شود. همچنین یک باغ در نزدیکی آن طراحی شده که فضای سبز اطراف این پل است. طراحان می‌گویند پل را طوری طراحی کرده‌اند که چه زمان پراپی و چه کم‌آبی بشود از آن استفاده‌های مختلفی کرد. همچنین قرار است نزدیکی این پل بستر رودخانه را با سنگ‌های طبیعی و به شکلی موج‌دار ببوشانند که تجربه بصری بهتری بسازد.

کدام چهره‌ها به این مسابقه دعوت شدند؟

شنیده‌های ما حاکی از این است که رضا دانشمیر و کاترین اسپریدونوف، معمار ساختمان‌های نمادین شهر تهران و محمد مجیدی، معمار پاساژ چارسو هم پروژه‌های خود را در این مسابقه ارائه داده‌اند. همچنین

تصویر کاریکاتوری از اینفلوئنسرها

سریال تلویزیونی «فریبا» در بازنمایی واقعیت‌های شاخ‌های مجازی ناکام است و حتی در لحظاتی نتیجه تبدیل به کمدی ناخواسته می‌شود

در لحظه نوشتن این گزارش، ۱۲ قسمت از سریال «فریبا» روی آنتن شبکه سه رفته است. این اثر را محمود معظمی بر اساس فیلمنامه جواد صفوی کارگردانی کرده و هدف این بوده است تا در قالب... صفحه ۰۹



روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری و اقتصادی ایران
دوشنبه | ۸ بهمن ۱۴۰۳
۱۶ صفحه
شماره ۳۹۷۶
قیمت ۱۰۰۰۰ تومان



عزت آدمیزاد

دست خداست...

درباره کریم باقری که دیروز

محبوب‌تر از همیشه بود

ترکیب درست پرسپولیس را به‌دست آورده است. او به خوبی ارزش همکاری رفیعی و عالیشاه را درک کرد و توان بی‌انتهای خدایندو لورادر میانه زمین و این که پورعلی گنجی، مدافع مطمئن‌تری از کنعانی‌زادگان کند و سالخورده است (کی‌روش این مسئله را سه، چهارسال پیش متوجه شده بود) دیروز بیرانوند هم به این باری تقدیر خیلی احتیاج داشت اما شناس نیامرد. هیچ کدام از دو ضربه سرخ‌ها قابل مهار نبودند. حتی اسکوچیچ هم به‌شدت احتیاج داشت تا در آزادی، شایستگی‌های قطعی خود را به تماشاگران و کارشناسان ثابت کند. اما بخت با او هم یار نبود. در عوض پرتربه کریم‌باقری به عنوان بهترین هافبک تاریخ فوتبال ایران گذشتۀ فوتبالی ایران و در جدایی پس در انتهای بازی یک پیروزی باشکوه و حیرت‌انگیز برای سرخ‌ها رقم خورد و بعد از مدت‌ها عروسی به کوچۀ پرسپولیس آمد. اما فقط تقدیر و سر نوشت در این خداحافظی غرور آمیز آفاکریم دخیل نبود. او به‌سادگی رازهایی را از تیمش کشف کرده بود که از نداشت. او سوپرکاپ را به سپاهان باختۀ بود و هفته پیش هم در اصفهان و مقابل ذوب‌آهن متوقف شده بود. طرفداران تراکتور هم

سعد برقی | این دست تقدیر است دیگر. قدیم‌ها می‌گفتند «عزت آدمیزاد، دست خداست...» بازی دیروز پرسپولیس و تراکتور، گویی مصداق این گزاره برای کریم باقری بود. مردی که نمی‌خواست و نمی‌خواهد مربی پرسپولیس باشد و بر جایگاه کوچ پردردسرترین تیم آسیا بنشیند. او دیروز برای آخرین‌بار و شاید برای آخرین‌بار در عمر ورزشی‌اش هدایت پرسپولیس را بر عهده داشت. آن هم در سخت‌ترین بازی فصل و مقابل یکی از قوی‌ترین تیم‌های فعلی آسیا. آن هم در حالی که فوق‌ستاره پرسپولیس یعنی اورونوف را در اختیار نداشت و در عوض حریفش با تمام ستاره‌هایش به زمین آمده بود. در حالی که اسماعیل کارتال، سرمربی جدید پرسپولیس هم در جایگاه ویژه حضور داشت و بازی شاگردان آینده‌اش را نگاه می‌کرد و ۶۰ هزار تماشاگر هم آمده بودند این بازی بزرگ را از نزدیک ببینند و به آزادی آن شکوه از یادرفته‌اش را دوباره از زانی کنند. راستش دیروز هیچ کس از «آفاکریم» انتظاری نداشت. او سوپرکاپ را به سپاهان باختۀ بود و هفته پیش هم در اصفهان و مقابل ذوب‌آهن متوقف شده بود. طرفداران تراکتور هم

عکس یک



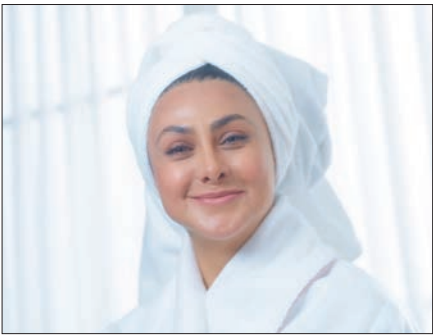
دو قاب دیگر از بازی دیروز پرسپولیس و تراکتور سازی. عکس از باشگاه پرسپولیس و ایران

منیژه خسروی

نیم نگاه

«واو» بگو و حالش رو ببر!

بازیگران در تیزرهای تبلیغاتی چه عملکردی دارند؟



۱ از چند سال پیش و با حذف منع قانون حضور چهره‌ها در آگهی‌های بازرگانی، تلویزیون و بیلبوردهای شهری پر شد از بازیگران و دیگر افراد شاخص حوزه‌های دیگر. این روزها هم شاهد چند بازیگر در آگهی‌های بازرگانی تلویزیونی و پلتفرم‌ها هستیم که نگاهی کوتاه داریم به عملکرد آن‌ها.

۲ تازه‌ترین فعالیت تبلیغاتی سلبریتی‌ها مربوط می‌شود به مهران مدیری و آزاده صمدی. چند هفته پیش این دو در میانه پخش سریال‌های خانگی ظاهر شدند و رو به دوربین «واو» (Wow) گفتند. طولی نکشید که مشخص شد هدف تبلیغ یک برند خوشبو کننده بدن بوده است. این شیوه معرفی یک محصول، ابتدایی‌ترین کاری است که یک بازیگر می‌تواند انجام دهد. منتها برای سفارش دهنده و سازندگان، به‌ویژه نام مدیری اهمیت داشته.

۳ پژمان جمشیدی، چهره پرکار سینما، تلویزیون و تئاتر، حضوری فعال در آگهی بازرگانی هم دارد و تصویرش در سطح شهر، تلویزیون و شبکه خانگی زیاد دیده می‌شود. چند ماه خبری از او نبود و حالا بار دیگر سفیر یک برند فرش و لوازم خانگی شده. چند تیزر ابتدایی او در دو جدید فعالیت خالی از خلایق بود اما جمشیدی حالا باز هم در جلد شخصیتی رفته است که شباهت آشکاری به شمایل او در آثاری چون «پژمان» و «خوب، بد، جلف» داشت. نیما شعبان‌نژاد نیز مثل جمشیدی از ملاحظاتی خودش خرج تبلیغ برند ابزار آلات کرده. نتیجه تا حدودی موفق است. الناز حبیبی یک برند نوار بهداشتی را تبلیغ می‌کند که ایده ساختاری آن مبتنی بر لباس روشن و عدم نگرانی برای عادت ماهیانه، خوب است. حبیبی با نشاط و لیخنند مقابل دوربین می‌آید و حس رهایی را به درستی منتقل می‌کند.

۴ گروهی از بازیگران، چالشی خاص مقابل دوربین نداشته‌اند و تمرکز اصلی ساخت آگهی‌ها بر شهرت و چهره آن‌ها بوده است. مثلا بهرام رادان با لطف گریم زیباتر شده و بدون توسل به ابزار بازیگری یک برند لوازم خانگی را معرفی می‌کند. درباره سینا مهراد می‌توان حدس زد که صرفاً قیافه خوب او مد نظر بوده، چون برای تبلیغ یک نوشابه انرژی‌زا اکت خاصی ندارد. اما امیرعلی نبویان؛ مجری-بازیگری که برخی عقیده دارند، صاحب چهره‌ای جذاب و صدایی دلربا است. صاحبان یک برند ساندویچ سرد هم خواسته‌اند از ویژگی‌های ظاهری نبویان بهره ببرند. حضورش مقابل دوربین اما ویژه نیست. او در مسابقه مافیایی «دن» هم محصول مذکور را تبلیغ می‌کند که در قسمت اول، نتیجه دلچسب نبود.



کمیتش در بخش‌های دیگر روایت هم لنگ می‌زند. مثلاً با خانواده آقای پلیس (حمیدرضا پگاه/ ستاره سادات قطبی) و خانواده آقای دکتر (محمود پاک‌نیت/ افسانه چهره آزاد) مواجه هستیم که همچون فرشته می‌درخشند! تنها نمایش خانواده‌های الگو، خوب است و تاثیرگذار اما چرا همچنان پرداختن کلیشه‌ای در سریال‌ها دارند. «فریبا» کلیشه و شعار در این زمینه را به حد اعلای رسانده است. کاش حداقل، شاهد داستانی جذاب با حضور آنها بودیم تا این میزان گل درشتی، توی ذوق نمی‌زد. «فریبا» در مقابل، یک خانواده متمول (نسیم ادبی/ منوچهر زنده‌دل) را به نمایش در می‌آورد که زوجین رابطهای سرد دارند و مرد در پی ازدواج یواشکی است و... دوستان تلویزیونی! باور کنید این نمایش صفر و صدی از آدم‌ها نتیجه عکس می‌دهد. لطفاً به واقعیت‌های جامعه کمی نزدیک شوید، فقط کمی... ماجرای ازدواج دو جوان و چالش‌هایی که پیش رو دارند نیز، قصه‌ای است هزار بار گفته شده!

مورد پنجم | بازی‌ها

در سریال «فریبا» بازی‌های چندان چشمگیری به بار ننشسته است و اغلب بازیگران همان کارهای بدیهی را که باید، انجام می‌دهند. مثلاً محمود پاک‌نیت با هم مردی است محترم و خانواده دوست. یا حمیدرضا پگاه، دوباره شمایل یک مرد مهربان و پلیس زیرک را بر تن کرده. الزاماً این را ایراد نمی‌دانیم و صرفاً می‌گوییم اتفاقی ویژه مقابل دوربین رخ نداده. درباره سانا سعیدی اما انصاف نیست اگر اشاره نشود، زحمتی بیش از دیگران برای قوام دادن به نقش یک بلاگر کشیده. مهم‌تر این که سعیدی دست به تجربه‌ای تازه در بازیگری زده و تا حدود زیادی در ترسیم غم، شادی، دلهره و دیگر احساسات درونی فریبا موفق عمل کرده است و رفتارهای برون‌ریزانه‌اش هم خالی از اغراق بوده.



تصویر کاریکاتوری از اینفلوئنسرها

سریال تلویزیونی «فریبا» در بازنمایی واقعیت‌های شاخ‌های مجازی ناکام است و حتی در لحظاتی نتیجه تبدیل به کم‌دی ناخواسته می‌شود

گروه تلویزیون

هفت صبح

در لحظه نوشتن این گزارش، ۱۲ قسمت از سریال «فریبا» روی آنتن شبکه سه رفته است. این اثر را محمود معظمی بر اساس فیلمنامه جواد صفوی کارگردانی کرده و هدف این بوده است تا در قالب یک سریال پلیسی-اجتماعی، گوشه‌ای از واقعیت‌های اینفلوئنسرها نمایش داده شود. «فریبا» فعلاً در این مأموریت سر بلند نیست و باید منتظر قسمت‌های بعدی ماند. فعلاً گزارش امروز هفت صبح، بر اساس ۱۲ قسمت از سریال است و ضعف و قوت‌های «فریبا» را شامل می‌شود.

مورد اول | داستان چیست

محور روایت سریال، زنی است بلاگر به نام فریبا با بازی سانا سعیدی. او از همسرش جدا شده و سراغ فعالیت‌های اینستاگرامی رفته است. شانس رو کرده و فریبا تبدیل به یک چهره محبوب شده که فالوورها برایش غش و ضعف می‌روند. این بانو اما در زندگی واقعی مشکلاتی دارد؛ مثل جدایی از فرزند، یک مزاحم مرموز و از همه مهم‌تر، کارفرمایی که او را وادار به انجام کارهایی می‌کند که مورد

پایان فصل دوم چرخ گردون



پرونده سری دوم سریال «چرخ گردون» هفته پیش بسته شد. این اثر خالی از ایراد نبود اما همین که شاهد یک اثر کم‌دی در برهوت سریال‌های حال خوب کن بودیم، اتفاق مثبتی است. به بهانه پایان «چرخ گردون» گزیده‌ای از صحبت‌های برخی عوامل سریال در خبرگزاری تسنیم را مرور می‌کنیم.



منظر اول | درباره ترکیب بازیگران سعید مرادی، تهیه‌کننده «چرخ گردون» گفته است: «سعی کردیم بازیگرانی را انتخاب کنیم که علاوه بر محبوبیت، بتوانند شخصیت‌ها را به‌درستی به تصویر بکشند، حمید لولایی، علیرضا خمسه، رامین ناصر نصیر، آقای ضیایی و بسیاری دیگر که همواره در آثار طنز شناخته شده‌اند، در این پروژه حضور دارند. از آنجا که مخاطبان با این بازیگران ارتباط عاطفی دارند، حضور آن‌ها در سریال، خود به‌نوعی جلب توجه می‌کند. در فصل دوم هم از بازیگرانی به گروه اضافه شدند که مردم خواستار حضورشان بودند. در پی ذائقه‌سنجی‌هایی که انجام شد، به آن‌چه که مخاطب دوست دارد در بسته‌نمایی تعریف کنیم، رسیدیم. یکی از ابزارهای اصلی این تعریف، بازیگران محبوب و موردپسند مخاطب است. به طور مثال آقای امیر تاجیک که خواننده تیتراژ پایانی سریال بودند، این جافرتی پیش آمد تا کاراکتر واقعی خودشان را بازی کنند. رابعه اسکویی را به جمع بازیگران اضافه کردیم. همچنین، کاظم نوربخش و سیدحسین موسوی از بازیگرانی بودند که مردم آن‌ها را در سریال «نون‌خ» دیده بودند.»

منظر دوم | چالش‌ها رامین ناصر نصیر عنوان کرده است: «سریال «چرخ گردون» برای من چالش بزرگی بود. این اولین تجربه من در کاری به این شکل بود. سلیقه مردم طی سال‌های اخیر بیشتر به سمت کارهای جدی و درام کشیده شده است. البته طنز کار ساده‌ای به نظر می‌آید، اما وقتی که موفق می‌شود، تازه متوجه می‌شویم که چقدر کار سختی بوده است. «چرخ گردون» هم از این قاعده مستثنی نبود. جواد مزداپادی، کارگردان «چرخ گردون» اشاره کرده: «برای تولید سریال، با چالش‌های بسیاری روبه‌رو بودیم. یکی از این چالش‌ها، انتخاب لوکیشن بود. دوستان پیشنهاد دادند که در یک سوله بزرگ یا پارک با دکورهای مصنوعی کار کنیم، اما مخالف بودم و احساس می‌کردم این روش جذابیتی ندارد. به همین دلیل پیشنهاد دادم که فضای رئال را انتخاب کنیم، زیرا این نوع فضا به داستان و دکور سریال جذابیت بیشتری می‌دهد. با وجود سختی‌های زیادی که داشتیم، از جمله محدودیت نور در پاییز و مشکلات هماهنگی، در نهایت تصمیم گرفتیم پارک لاله را انتخاب کنیم.»

رصدخانه

چه می‌کنید روز آ شبکه «دو» و باز هم سریال تکراری

از ابتدای هفته، شبکه «دو» سراغ پخش یک سریال تکراری دیگر رفته است. این سریال «حانیه» نام دارد که دفعه اول، آذر ۹۲ روی آنتن شبکه دو رفت و چند بازپخش در شبکه آی فیلم هم داشته است. شبکه دو اصولاً توجهی به باکس سریالی خود ندارد و تا این جای سال، شش اثر تکراری را در کنداکتور قرار داده است. می‌دانیم که سیمافیلیم برای شبکه‌ها تصمیم می‌گیرد اما مدیر شبکه دو باید بتواند بالادستی‌ها را راضی کند تا باکس سریالی شبکه تحت نظر تش آسیب نبیند. این اتفاق آمارخ نداده و سیمای شبکه دو شبیه شبکه تامینی آی‌فیلم شده است. ضمناً مدیران تلویزیون بارها گفته‌اند دستی پر از سریال‌های جدید دارند. در عمل اما شاهد آثار تکراری در شبکه دو هستیم. نتیجه این رویه عجیب، منجر به قهر مضاعف مخاطبان از باکس سریالی شبکه دو شده است.



نظر روز | اعلام برائت سازنده «شام ایرانی» از رویکرد آن

سعید ابوطالب، کارگردان رئالیستی شو «شام ایرانی» در پاسخ به سوال سعید کریمی، مجری برنامه تصویری «آن» جوابی جالب داده است. مجری پرسید: «آیا نوع پذیرایی‌تان در خانواده خودتان به این شکل است یا نه؟» پاسخ ابوطالب منفی است و توضیح داده: «آن طبقه اجتماعی که به آن تعلق دارم با کفش داخل خانه نمی‌آیند. یا مثلاً خانم‌ها و آقایان این قدر راحت با یکدیگر حرف نمی‌زنند.» در ادامه اشاره کرده چنین تفاوت‌هایی به دلیل تفاوت در خرده‌فرهنگ‌ها است: «خودم شخصاً هنوز دوست دارم روی زمین و پشت سفره غذا بخورم. یا تا وقتی نان سر سفره آمد، خوردن را شروع کنم.» ابوطالب همچنین گفته: «بعد از پایان هر قسمت از «شام ایرانی» فقط به شرکت‌کنندگان می‌گویم غذایی که خوردید را همه ندارند!» معلوم نشد این اشاره او چه تأثیری بر محتوای مسابقه دارد!



رونمایی روز | نام پروژه جدید حاتمی کیا تکمیل شد

همزمان با رونمایی از لوگو موشن فیلم تاریخی - مذهبی ابراهیم حاتمی کیا از نام تکمیلی آن نیز رونمایی شد تا این اثر با نام «موسی کلیم‌الله (ع)؛ به وقت طلوع» در جشنواره فیلم فجر اکران شود. این فیلم نسخه پیش‌نمایش یا به عبارتی نسخه سینمایی سریال «موسی کلیم‌الله (ع)» است. این اثر به تهیه‌کنندگی سید محمود رضوی تولید شده است و اولین تجربه تاریخی حاتمی کیا محسوب می‌شود. مرزبلا زارعی در نقش «یو کابد» مادر حضرت موسی (ع) به ایفای نقش پرداخته و علیرضا کمالی هم نقش پدر این پیامبر عظیم‌الشان را بازی کرده است. بهنام تشکر هم ایفاگر نقش فرعون بوده است. بهاره کیان افشار، فرهاد آئیش، شکب شجره، مریم سرمدی، طوفان مهرادیان، مسعود رحیم پور، کامبیز امینی، بهار نوحیان و بازیگران کودک، گندم شیخی و دلنا محمدی دیگر بازیگران «موسی کلیم‌الله (ع)؛ به وقت طلوع» هستند.



تهیه‌کننده «دو قلوها» از پایان تولید این مجموعه با حضور عموهای فیتیلیه‌ای خبر داد و به اینستا گفت: «این مجموعه در ۹۰ قسمت تولید شده و بز نامهربانی این بود که آذرماه روی آنتن برود اما با توجه به حجم سنگین تولید، به نظر می‌رسد شبکه دو، پخش آن را برای رمضان و نوروز در نظر بگیرد.»

«خانه سبز» این روزها مراحل تولید را پشت سر می‌گذارد. در این مستند مسابقه، سه خانواده با یکدیگر به رقابت می‌پردازند و با رعایت قوانین محیط‌زیستی، چالش‌هایی از قبیل پرورش گیاه، پرورش پرندگان، تولید تنقلات و ساخت صنایع دستی را به انجام می‌رسانند.

عدد بازی

